

The Semantics of the Word "Liqa'" and the Conceptual Relationship of Liqa' Allah with the Divine Vision in the Qur'an and a Critique of the Ash'ari View in This Regard

Alireza Khosrawi¹

Seyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi²

Received: 16/12/2020

Accepted: 24/04/2021

Abstract

One of the topics discussed between the Ash'arites on the one hand and the Shiites and Mu'tazilites on the other is the vision of God. The Ash'arites, who believe in seeing God on the Day of Resurrection, cite verses from the Qur'an to prove their point, including the verses in which the word "meeting" is mentioned. Semantics and examining the opinions of commentators about the meanings of this word in the cited verses is a good way to achieve the correct meaning of the word and evaluate the correctness or incorrectness of those who believe in the vision of God. Etymology and study of different meanings of the word "meeting" in word sources, study of its association and substitution with other words in the verses of the Qur'an, its meaning in Arabic hadiths and poems, and analysis of the views of Shiite and Sunni commentators. This word has several meanings and not only is the meaning of seeing from the word meeting in these verses incorrect and it is confirmed by the opinion of a few Sunni commentators, but in addition to Shiite commentators, many Sunni commentators also have the opposite view.

Keywords

Semantics, meeting, meeting God, divine vision, Ash'arites.

1. PhD student in Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Khomeini Memorial Branch & Shahr Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran. arkhosravi@bums.ac.ir.

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Khomeini Memorial Branch, Shahr Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Khosrawi, A. & Hosseini Mirsafi, S. F. (2020). The Semantics of the Word "Liqa'" and the Conceptual Relationship of Liqa' Allah with the Divine Vision in the Qur'an and a Critique of the Ash'ari View in This Regard. *Journal of Theology & Islamic Knowledge*, 2(4). pp. 165-193. Doi: 10.22081/jikm.2021.59627.1044

معناشناسی واژه «لقاء» و رابطه مفهومی لقاء الله با رؤیت الهی در قرآن و نقد دیدگاه اشاعره

علیرضا خسروی^۱ سیده فاطمه حسینی میرصفی^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

چکیده

از موضوعات مورد بحث بین اشاعره از یک سو و شیعه و معتزله از سوی دیگر، رؤیت خدا است. اشاعره که قائل به رؤیت خداوند در قیامت‌اند، برای اثبات نظر خود، به آیاتی از قرآن استناد می‌کنند که از جمله این آیات، آیه‌ای است که در آن واژه «لقاء» آمده است. معناشناسی و بررسی نظر مفسران درباره معانی این واژه در آیات مورد استناد، راه مناسبی برای دستیابی به معنای صحیح واژه و ارزیابی درستی یا نادرستی اعتقاد قائلان به رؤیت خدا است. ریشه‌شناسی و بررسی معانی مختلف واژه «لقاء» در منابع لغت، بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی آن با دیگر واژه‌ها در آیات قرآن، معنای آن در احادیث و اشعار عرب و واکاوی نظر مفسران شیعه و سنی روشن می‌سازد این واژه دارای معانی متعددی است و نه تنها برداشت معنای رؤیت از واژه لقاء در این آیات صحیح نیست و نظر عده کمی از مفسران اهل سنت آن را تأیید می‌کند، بلکه علاوه بر مفسران شیعه، بسیاری از مفسران اهل سنت نیز نظری برخلاف آن دارند.

کلیدواژه‌ها

معناشناسی، لقاء، لقاء الله، رؤیت الهی، اشاعره.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. arkhosravi@bums.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mirsafy@yahoo.com

* خسروی، علیرضا؛ حسینی میرصفی، سیده فاطمه. (۱۳۹۹). معناشناسی واژه «لقاء» و رابطه مفهومی لقاء الله با رؤیت الهی در قرآن و نقد دیدگاه اشاعره. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۲(۴)، صص ۱۶۵-۱۹۳.
Doi: 10.22081/jikm.2021.59627.1044

۱. بیان مسئله

یکی از مباحثی که در میان اشاعره از یک سو و شیعه و معتزله از سوی دیگر مطرح بوده و مورد اختلاف است و درباره آن بحث و گفتگوی زیادی صورت گرفته، موضوع رؤیت خداوند است. اشاعره معتقدند مؤمنان در آخرت می‌توانند خداوند را با چشم سر ببینند. آنان برای اثبات مدعای خود به آیاتی از قرآن استناد می‌کنند که دسته‌ای از این آیات مورد استناد، آیاتی هستند که در آن واژه «لقاء» یا مشتقات آن نظیر «ملاقوا» آمده و بحث ملاقات با پروردگار در قیامت در این آیات مطرح شده و اشاعره از ظاهر این آیات، امکان رؤیت خداوند در قیامت را برداشت می‌کنند. از این دسته آیات می‌توان به آیات ۱۱۰ سوره کهف، ۵ سوره عنکبوت، ۵۴ فصلت، ۴۶ بقره و... اشاره کرد که در آنها به ترتیب از عبارات «لِقَاءَ رَبِّهِ»، «لِقَاءَ اللَّهِ»، «لِقَاءَ رَبِّهِمْ»، «مُلاقُوا رَبَّهِمْ» و دیگر کلمات هم‌خانواده واژه «لقاء» استفاده شده است.

از سوی دیگر امامیه و معتزله معتقدند دلایل متعدد عقلی بیانگر آن است که رؤیت خداوند با چشم سر محال است و نه در دنیا و نه در آخرت امکان‌پذیر نیست. امامیه علاوه بر دلایل عقلی معتقدند آیات و روایات متعددی این موضوع را رد می‌کنند. از طرفی دقت در معنای واژه «لقاء» و مشتقات آن در همین آیات و معنانشناسی صحیح واژه و بررسی آن در منابع لغت، قرآن، روایات و تفاسیر شیعه و سنی، برداشت صحیح از این آیات را در پی داشته که منجر به نفی برداشت رؤیت خداوند از این دسته آیات خواهد گردید.

در این مقاله برآنیم تا با معنانشناسی واژه «لقاء» و بررسی معانی آن در منابع مختلف و بررسی نظر مفسران شیعه و سنی ذیل آیاتی که این واژه در آن آمده و اشاعره برای اثبات رؤیت خدا به آن استناد می‌کنند، به گستره معنایی از این واژه در آیات مورد استناد دست پیدا کنیم.

۲. بررسی معنای لغوی واژه «لقاء»

واژه «لقاء» بر وزن «فعال» مصدر سماعی از فعل ثلاثی مجرد «لقى» و مصدر سماعی از

فعل رباعی مجرد «لاقی» است که اصل آن «لقای» بوده و حرف عله بعد از الف به همزه تبدیل شده است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۹۰).

اصل و ریشهٔ واحد در مادهٔ «لقى» روبه‌روشدن، معاینه و دیدن همراه با ارتباط با یکدیگر است؛ البته قیودی نیز در این بین وجود دارد، اما مفاهیم روبه‌روشدن، دیدن، مواجه‌شدن و تکمیل‌شدن دو چیز یا دو کس با یکدیگر در همهٔ مشتقات این ریشه مشترک و از اثرات معنایی این ریشه است که این معنا ممکن است در امور مادی، معنوی، خیر یا شر به کار رود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۲۲۸).

برای واژهٔ «لقاء» در واژه‌نامه‌ها معانی‌ای ذکر شده است. راغب منظور از «لقاء» را مقابله و روبه‌روشدن دو چیز که با هم و تصادفاً برخورد کنند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۹) و قرشی روبه‌روشدن و مصادف‌شدن معنا کرده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۰۲). فیومی «لقاء» را استقبال چیزی از چیز دیگر و برخورد آن دو با هم (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۵۸) و حسینی زبیدی آن را رسیدن و به‌هم‌پیوستن دو شیء به یکدیگر تا زمانی که با هم تماس پیدا کنند، دانسته است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۵۸). صاحب بن عباد «لقاء» را دیدار دوست یا مصاحب به وسیله دوست و مصاحب دیگر (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۷) و ابن فارس نیز آن را برخورد و دیدار دو کس یا دو چیز با یکدیگر و تکمیل یک چیز با چیز دیگر دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۶۰). ابو‌هلال عسکری نیز «لقاء» را اجتماع شیئی با شیئی دیگر به واسطه نزدیک‌شدن به همدیگر معنا کرده و وقوع ملاقات بین دو فرد را از روبه‌رو دانسته است نه از پشت سر (عسکری، ۱۴۰۰ق، صص ۳۰۲-۳۰۳). مرحوم مصطفوی نیز در مورد معنای «لقاء» می‌نویسد لقاء دلالت بر قراردادن شیئی در مقابل شیء دیگری دارد و لقاء را به انواع لقاء مادی، لقاء روحانی، لقاء در عالم آخرت و لقاء شر تقسیم می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، صص ۲۲۸-۲۲۹). مرحوم مصطفوی در پایان می‌نویسد:

مخفی نیست که دیدار و مقابله با تحقق ارتباط بین دو طرف امکان‌پذیر است و این امر هم متوقف بر تحقق و وجود تناسب و نزدیکی بین دو دیدارکننده است، خواه این تناسب و تقارب از نظر مادی یا معنوی باشد و انسان استعداد

ارتباط در هر وضع، مقام و عالمی را داراست، بلکه دارای قدرت ارتباط و استعداد دیدار و لقاء با خداوند متعال نیز می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۲۲۹).

با بررسی نظر لغت‌شناسان در مورد واژه «لقاء» به معنای نهایی آن که عبارت از دیدار، مقابل یکدیگر قرار گرفتن و تماس نزدیک دو فرد یا دو شیء از روبرو که منجر به تکمیل دیگری شود می‌رسیم. آنچه در ملاقات دو فرد با اهمیت است، برخورد به صورت ناگهانی و تصادفی است. بیان انواع «لقاء» در تعریف مرحوم مصطفوی، این معنا را کامل‌تر نیز کرده است. آنچه در این تعریف قابل توجه است، بیان نوع لقاء روحانی و لقاء در آخرت است که این تعریف را از تعاریف دیگر که بیشتر جنبه مادی و جسمانی دارد، متمایز می‌سازد.

۳. معنائشناسی واژه «لقاء» به کمک واژگان متضاد

برای پی‌بردن به معنای یک واژه می‌توان از واژگان متضاد آن بهره گرفت؛ بنابراین برای پی‌بردن به دیگر معانی واژه «لقاء»، به بررسی واژگان متضاد آن می‌پردازیم. در بررسی کتاب‌های لغت می‌بینیم ابن منظور واژه «حجاب» را متضاد واژه «لقاء» می‌داند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۵۳). لغت‌شناسان واژه «حجاب» را به معنای هر چیزی که شیی را از شیء دیگر مانع شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۸۶)، ستر و پرده (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۴۰)، پرده ای که بین بیننده و شیء حائل شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴) و چیزی که مانع رسیدن به چیزی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱۹) دانسته‌اند که در آنها مفاهیم منع از دیدن شیء، وصل و رسیدن چیزی به چیز دیگر و حائل شدن چیزی بین بیننده و شیء دیده می‌شود. از این معانی می‌توان دریافت که در واژه «لقاء» معانی دیگری نظیر از بین رفتن موانع، حجاب‌ها و پرده‌ها، رسیدن و وصول نیز وجود دارد.

۴. بررسی واژه «لقاء» از نظر روابط همنشینی و جاننشینی در آیات قرآن

یکی از راه‌های پی‌بردن به گستره معنایی یک واژه قرآنی، بررسی روابط همنشینی و جاننشینی کلمات با آن واژه در آیات قرآن است. در بررسی واژه «لقاء» در مجموع

آیات قرآن، به اسامی و افعالی برمی‌خوریم که با آن رابطه همنشینی دارند.

یکی از واژگانی که در برخی آیات با واژه «لقاء» رابطه همنشینی دارد، واژه «یوم» است که به عنوان اسم، با ترکیبات مختلف مجموعاً ۲۷۷ بار در قرآن آمده که پرتکرارترین ترکیب با واژه «لقاء» در آیات قرآن را تشکیل می‌دهد و در مجموع ۵ بار به صورت ترکیب با آن و به همراه ضمائر مختلف در قرآن تکرار شده است. واژه «یوم» در لغت به معنای زمانی از شبانه‌روز است که از طلوع فجر دوم تا غروب خورشید (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۹۱) یا زمان بین طلوع تا غروب خورشید (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۶۴۹) بوده و به معنای روز است که معمولاً به فاصله زمانی از طلوع خورشید تا غروب و گاهی به مدت زمان، هرچه طولانی باشد، گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۵۱).

همان‌طور که در بررسی معنای لغوی واژه «لقاء» در بالا اشاره شد، معنای این واژه به تنهایی عبارت است از دیدار، مقابل یکدیگر قرار گرفتن و تماس نزدیک دو فرد یا دو شیء از روبه‌رو که منجر به تکمیل دیگری شود؛ اما زمانی که واژگانی با آن هم‌نشین می‌گردند، معنای آن را تغییر می‌دهند و بر معنای آن تأثیر می‌گذارند. در هم‌نشینی اسم «یوم» با واژه «لقاء» نیز این تأثیر‌گذاری را مشاهده می‌کنیم؛ برای مثال در آیه «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يُقِصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا؛ ای گروه جن و انس، آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند؟» (انعام، ۱۳۰)، علاوه بر اسم «یوم» فعل «يُنذِرُونَ» نیز با واژه «لقاء» هم‌نشین شده است که حاصل هم‌نشینی این اسم و فعل با واژه «لقاء» این شده است که مفسران معانی دیگری غیر از معنای لغوی که در بالا اشاره کردیم برای آن در نظر بگیرند؛ برای مثال طبرانی (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۸۷)، بیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۸۲) و بغوی (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۶۰) واژه «لقاء» را در جمله «يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا» قیامت و فخر رازی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۱۵۱) و نظام‌الاعرج (نظام‌الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۶۷) عذاب معنا کرده‌اند. علاوه بر این در آیه ۵۱ سوره اعراف و آیه ۱۴ سوره سجده علاوه بر اسم «یوم»، فعل «نسی» نیز با واژه «لقاء»

همنشین شده است که نتیجه این همنشینی نیز تغییر معنای آن بوده است؛ برای مثال در آیه «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ؛ همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد. پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند، ما هم امروز آنان را از یاد می بریم» (اعراف، ۵۱)، سیواسی «لقاء» را بعث و برانگیخته شدن معنا کرده است (سیواسی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۶۱). گفتنی است «نسیان» در این آیه به معنای فراموشی نیست؛ چون خداوند چیزی را فراموش نمی کند و از حال کسی غافل نمی شود، بلکه معنایش این است که همان طوری که اینها در دنیا ما را فراموش کردند، ما نیز امروز به لوازم زندگی شان نمی پردازیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۱۶۶-۱۶۷)؛ بنابراین همان طور که ملاحظه شد همنشینی واژه «لقاء» با اسم «یوم» و افعال مجاور آن باعث تغییر در معنا و تأثیر در برداشت مفسران از آن شده است.

از دیگر واژه هایی که با واژه لقاء در آیات قرآن رابطه همنشینی دارد، واژه «آخره» است که به عنوان اسم، در مجموع ۱۱۶ بار در قرآن تکرار شده است. واژه «آخره» به صورت ترکیب با واژه «لقاء»، ۳ بار در آیات ۱۴۷ سوره اعراف، ۱۶ سوره روم و ۳۳ سوره مؤمنون آمده است. واژه «آخره» به معنای نقیض متقدم است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۰۳) و به پایان و انتهای هر چیز (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۵) گفته می شود؛ برای نمونه در آیه «وَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ؛ و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند، اعمالشان تباه شده است» (اعراف، ۱۴۷) و در آیه «وَ اَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ فَاُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحَضَّرُونَ و اما کسانی که کافر شده و آیات ما و دیدار آخرت را به دروغ گرفته اند، پس آنان در عذاب حاضر آیند» (روم، ۱۶)، واژه «آخره» به عنوان اسم و واژه «کذبوا» به عنوان فعل با واژه «لقاء» رابطه همنشینی دارند و بر معنای آن تأثیر گذارند؛ برای مثال شیخ طوسی ذیل آیه ۱۴۷ سوره اعراف و جمله «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ»، «لقاء» را در ک کردن (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۵۴۳) و شیخ طبرسی ذیل آیات گفته شده، «لقاء» را قیامت، بعث، برانگیخته شدن و نشور (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۳۶ و ج ۸، ص ۴۶۷) معنا

کرده است. همچنین فیضی ذیل این قسمت از آیه، «لقاء» را وارد شدن (فیضی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۹) و شاه عبدالعظیمی آن را رسیدن معنا کرده است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۹۸). همان طور که ملاحظه شد، همنشینی واژه‌های «آخره» و «کذبوا» در معنای لغوی واژه «لقاء» تأثیر گذاشته و در آن تغییر ایجاد کرده است.

یکی دیگر از واژه‌هایی که با واژه لقاء در آیات قرآن رابطه همنشینی دارد، واژه «رب» است که به عنوان یکی از اسامی خداوند، در مجموع ۹۸۰ بار به صورت‌های مختلف در قرآن آمده که به صورت ترکیب با واژه «لقاء»، مجموعاً ۶ بار در آیات ۱۵۴ سوره انعام، ۲ سوره رعد، ۸ سوره روم، ۱۰ سوره سجده، ۱۱۰ سوره کهف و ۵۴ سوره فصلت تکرار شده است. «رب» به معنای خدای عز و جل، مالک (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹۹)، صاحب، تربیت کننده و متکفل مصلحت موجودات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶) است. این واژه در کنار فعل «یرجوا» با واژه «لقاء» رابطه همنشینی دارد و معنای آن را تحت تأثیر قرار داده است؛ برای مثال ذیل آیه «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» بگو: من هم مثل شما بشری هستم، ولی به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد» (کهف، ۱۱۰)، واحدی (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۷۴) و سمرقندی (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۶۵) «لقاء» را در جمله «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ»، بعث و برانگیخته شدن و بغوی (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۲۲) و خازن (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۰) بازگشت معنا کرده‌اند.

واژه دیگری که با واژه «لقاء» در آیات قرآن رابطه همنشینی دارد، واژه «الله» است که به عنوان اسم خاص خداوند متعال، در مجموع ۲۵۰۵ بار در قرآن تکرار شده و به صورت ترکیب با واژه «لقاء»، ۳ بار در آیات ۳۱ سوره انعام، ۴۵ سوره یونس و ۵ سوره عنکبوت آمده است. «الله» اسم علم خداوند متعال است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۰) که اصل آن اله است که همزه‌اش حذف شده و الف و لام بر آن اضافه گشته و لام در لام ادغام شده و به ذات مقدس باری تعالی اختصاص یافته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲).

این واژه نیز در همنشینی با واژه «لقاء» بر معنای آن تأثیرگذار بوده است، به نحوی که لغت‌شناسان نیز در کتاب‌های لغت به این تأثیر اشاره کرده‌اند؛ برای مثال راغب معنای «لقاء» در عبارت «لقاء الله» را قیامت و بازگشت (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۵۰) و طریحی و ابن‌اثیر نیز معنای آن را بازگشت به عالم آخرت و طلب و درخواست دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۹؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۶۶). قرشی نیز معنای واژه «لقاء» در عبارت «لقاء الله» را قیامت دانسته است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۰۴).

بنابراین همنشینی واژه «الله» به عنوان اسم به همراه فعل «یرجوا» در کنار واژه «لقاء»، در آیه «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ؛ کسی که به دیدار خدا امید دارد، بداند که اجل او از سوی خدا آمدنی است» (عنکبوت، ۵) بر معنای آن تأثیرگذار بوده و برداشت بسیاری از مفسران را از معنای آن تغییر داده است. بیشتر این برداشتها با برداشتهای صورت گرفته از معنای «لقاء» در عبارت «لقاء رب» مشابه است و در آن به معنایی حساب، ثواب و عقاب و برانگیخته شدن پس از مرگ اشاره شده است.

در کنار تأثیر روابط همنشینی بین واژه «لقاء» با دیگر واژگان که منجر به تأثیرگذاری بر معنای آن می‌گردد و در بالا به آن اشاره شد، در آیات قرآن بین این واژه و برخی از واژگان رابطه جانشینی وجود دارد. از بین واژگانی که بیشترین رابطه همنشینی با واژه «لقاء» در آیات قرآن داشتند، واژه «یوم» بود که در آیاتی از قرآن به دفعات زیاد تکرار شده است و می‌توان در بین همشینی‌های آن با واژه «لقاء» رابطه جانشینی را جستجو کرد. یکی از واژگانی که پایی در آیات قرآن با واژه «یوم» همشینی گردیده، واژه «قیامه» است. عبارت «یوم القیامه» ۷۰ بار در آیات قرآن تکرار شده و همان‌طور که در بررسی رابطه همنشینی واژه «یوم» با واژه «لقاء» مشاهده کردیم و تعدادی از مفسران نظیر بیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۸۲) و بغوی (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۶۰) واژه «لقاء» را در همنشینی با واژه «یوم» قیامت معنا کرده بودند، می‌توان بین این دو واژه رابطه جانشینی برقرار کرد. اشتراک معنایی بین لقاء و قیامت، دیدن ثواب و عقاب الهی به صورت عینی و درک عظمت خداوند به صورت عینی است.

واژه‌ای که با واژه «یوم» در قرآن رابطه همنشینی دارد و یک بار در آیه ۱۵ سوره

غافر تکرار شده و می‌توان گفت با واژه «لقاء» رابطه جانشینی دارد، واژه «تلاق» است. «تلاق» به روبه‌رو شدن دو گروه با یکدیگر گفته می‌شود (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۸۵۸) که از نظر لغوی با معنای «لقاء» مشابه است. ترکیب «يَوْمَ التَّلَاقِ» در آیه «رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ» (غافر، ۱۵) بر اساس نظر لغت‌شناسان، از جمله راغب به معنای روز قیامت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۴۵) روز قیامت را از آن جهت «يوم التلاق» گفته‌اند که در آن اهل آسمان و زمین، خدا و خلق، اولین و آخرین، ظالم و مظلوم، انسان و عملش، یکدیگر را ملاقات می‌کنند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۰۲). از دیدگاه مفسران نیز «يوم التلاق» به معنای روز قیامت است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص ۳۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۲). در بررسی رابطه همشینی واژه «يوم» با واژه «لقاء» نیز دیدیم که یکی از معانی که برای «لقاء» در همشینی با «يوم» بیان شد، قیامت بود؛ بنابراین رابطه جانشینی دو واژه «تلاق» و «لقاء» کاملاً واضح و روشن است.

یکی دیگر از واژگانی که با واژه «لقاء» رابطه همشینی دارد، واژه «رب» است. در بین همشینی‌های این واژه به واژه «ناظره» در آیه «إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ؟» و به سوی پروردگار خود می‌نگرند» (قیامه، ۲۳) برمی‌خوریم که از نظر معنایی مشابه واژه «لقاء» است و با آن رابطه جانشینی دارد. واژه «ناظره» از ریشه «نظر» است و «نظر» به معنای برگرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۲) یا دیدن شیء با چشم یا تأمل و تفکر در چیزی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۶۶) وقتی «نظر» مانند این آیه با «إلی» همراه گردد، به معنای چشم‌دوختن به سوی کسی است، چه نظرکننده او را ببیند یا نبیند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۲)؛ بنابراین جدای از اختلافات موجود در بین مفسران در تفسیر آیه بالا که بسیاری از آنان مانند اشاعره رؤیت خدا را از آن نتیجه گرفته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۳۰) و بسیاری دیگر مانند مفسران شیعه انتظار وصول به نعمت و ثواب الهی را از آن برداشت کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۹۷)، هم در «لقاء» و هم در «نظر» مفهوم دیدار و رؤیت با چشم و حس بینایی وجود دارد و این دو واژه در این بعد با هم اشتراک معنایی و رابطه جانشینی دارند.

۵. معناسناسی واژه «لقاء» در احادیث

احادیث از جمله دیگر منابع دینی هستند که با توجه به گسترده‌گی شان، ظرفیت بالایی برای معناسناسی واژه‌ها دارند. روایاتی که در آن واژه «لقاء» به کار رفته دو دسته هستند: دسته اول روایاتی‌اند که واژه «لقاء» در آنها به معنای دیدار و ملاقات به کار رفته است. از این دسته به چند روایت زیر اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ دُونَ لِقَاءِ اللَّهِ؛ برای مؤمن راحتی غیر از ملاقات با خدا وجود ندارد» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۷۶).
 ۲. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لِقَاءُ الْإِخْوَانِ مَعْنَمٌ جَسِيمٌ وَإِنْ قَلُّوا؛ دیدار با برادران ایمانی حتی اگر کوتاه باشد، سود و غنیمتی بزرگ است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۹).
 ۳. امام علی علیه‌السلام در روایت دیگری می‌فرماید: «اتَّقِ اللَّهَ الَّذِي لَا بَدَّ لَكَ مِنْ لِقَائِهِ وَ لَا مُنْتَهَى لَكَ دُونَهُ؛ بترس از خدایی که چاره‌ای جز دیدار و ملاقات با او نداری و پایان کارت جز بازگشت به سوی او نیست» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۲).
- در این روایات واژه «لقاء» به معنای دیدار، ملاقات و زیارت آمده است که با معنای لغوی آن همخوانی دارد.

دسته دوم روایات، روایاتی‌اند که در آنها واژه «لقاء» معنا شده یا به معانی دیگری آمده است؛ مانند روایات زیر:

۱. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در پاسخ به فردی که در مورد معنای واژه «لقاء» که در برخی از آیات قرآن به کار رفته پرسید، این‌گونه فرمود: «بَلَّ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ؛ یعنی بعث و برانگیخته شدن از قبرها که خدای عز و جل آن را لقاء و دیدن خود نامیده.. و همچنین قول آن جناب فَمَنْ كَانَ يُرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا و قول آن جناب مَنْ كَانَ يُرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ یعنی کسی که ایمان داشته باشد به اینکه مبعوث می‌شود و خدا او را زنده خواهد کرد. پس به درستی که وعده خدا آمدنی است از ثواب و عقاب. پس لقاء در اینجا به معنای دیدن نیست و لقاء همان بعث است. پس همه آنچه را که در کتاب خدا است از لقای او بفهم، چه آن جناب به آن بعث را قصد دارد» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۶۷).

در این روایت همان‌طور که در بحث از روابط همنشینی واژه در آیات قرآن بررسی کردیم، واژه «لقاء» به معنای قیامت، بعث و برانگیخته‌شدن و دیدن ثواب و عقاب خداوند آمده است. ضمناً آن حضرت برداشت دیدن و رؤیت با چشم را از واژه «لقاء» نفی می‌کند و به این معنا اشاره می‌نماید که هر جا در قرآن واژه «لقاء» به همراه واژه «رب» یا «الله» آمده، منظور برانگیخته‌شدن و قیامت است که نظر دانشمندان علم لغت نظیر راغب اصفهانی، طریحی، ابن اثیر و قرشی نیز همین معنا بود.

۲. امام علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ لِقَاءَ اللَّهِ سَلَا عَنِ الدُّنْيَا؛ كَسَى كَسِيًّا» که رسیدن به ثواب و پاداش پروردگار در قیامت را دوست دارد، باید از دنیا رویگردان باشد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۴۸).

در این روایت نیز واژه «لقاء» به معنای رسیدن به ثواب و پاداش الهی در قیامت است و معنای دیدار با چشم و رؤیت از آن قابل برداشت نیست.

۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لِلصَّائِمِ فَوْحَتَانِ فَوْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَ فَوْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ؛» برای روزه‌دار دو شادی وجود دارد، شادی در زمان افطار و شادی در قیامت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۵).

در این روایت نیز همان‌طور که در روایت اول تصریح شد، واژه «لقاء» به معنای بعث و قیامت است.

تصریح به اینکه «لقاء الله» و «لقاء رب» به معنای بعث، قیامت، آخرت و ثواب و عقاب پروردگار است، منحصر به روایاتی نیست که در منابع شیعه آمده است، بلکه در منابع تفسیر روایی اهل سنت نیز به این معنا اشاره شده است که برای نمونه به دو روایت اشاره می‌کنیم:

۱. سیوطی از سعید بن جبیر در مورد معنای واژه «لقاء» در آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» نقل کرده است وی در مورد معنای این واژه می‌گوید: «من كان يخشى البعث في الآخرة»؛ یعنی منظور از آیه کسانی هستند که از برانگیخته و مبعوث شدن در آخرت می‌ترسند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۵). سیوطی همین مطلب را از قول مجاهد نیز نقل کرده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۴۱).

۲. سیوطی همچنین از سعید بن جبیر نقل کرده است در مورد معنای واژه «لقاء» در آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» می‌گوید: لقاء ربه یعنی ثواب ربه، یعنی کسانی که به ثواب و پاداش خداوند امیدوارند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۵).

همان‌طور که دیدیم در این دو روایت نیز واژه «لقاء» در ترکیب با واژگان «الله» و «رب»، بنابر نظر سعید بن جبیر و مجاهد که هر دو از شاگردان کرسی تفسیر ابن عباس در مدرسه تفسیری مکه و از مفسران بزرگ تابعی‌اند، برانگیخته شدن در قیامت و امید به رسیدن به ثواب و پاداش پروردگار معنا شده است، نه رؤیت و دیدار خداوند با چشم که مورد نظر اشاعره است.

۶. بررسی واژه «لقاء» در اشعار عرب

یکی از راه‌های پی بردن به معانی مختلف یک واژه در زبان عربی، بررسی کاربردهای آن واژه در اشعار شاعران عرب است. وقتی به بررسی کاربرد واژه «لقاء» در اشعار عرب می‌پردازیم، می‌بینیم که این واژه در بیشتر موارد به معنای دیدار، روبه‌رو شدن و ملاقات آمده است. نمونه‌هایی از این اشعار را در پی می‌آوریم:

۱. علی حَمَّانِي در شعری که در مدح اهل بیت علیهم‌السلام سروده، این‌گونه از واژه «لقاء» استفاده کرده است: «سَبَطَ الْاَكْفَ إِذَا شِيمَتَ مَخَائِلَهُمْ اسد اللِّقَاءِ إِذَا صِيدَ الصَّنَادِيدُ؛ اگر خواهی بدانی علامات ایشان را بدان که گشاده کف‌اند و صاحب همت و مثل شیر ملاقات می‌کنند در جنگ در وقتی که همه بزرگان و شجاعان ترک جنگ کنند و بگریزند» (مفید، ۱۳۷۷، ص ۹۲).
۲. اسماعیل بن محمد حمیری در فراق و مناجات با امام زمان علیه‌السلام این‌گونه سروده است:

« يا أيها القائم المهدي يا أملی أرجو لقاءك في الدنيا و لطفك بي
ای قائم و ای مهدی (عج)! ای تمام عشق و آرزویم! در دنیا امیدوار به لطف و دیدار
تو هستم (شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۶۱).

۳. در شعری که قرطبی از ابن حزم نقل کرده آمده است:

«لقاء الناس ليس يفيد شيئاً
سوى الهديان من قیل و قال
فاقلل من لقاء الناس الا
لاخذ العلم او اصلاح حال»

ملاقات با مردم به غیر از پریشان‌گویی ناشی از قیل و قال و سر و صدا فایده‌ای ندارد؛ پس دیدار با مردم را مگر در مورد دریافت علم یا اصلاح احوال آنان کوتاه کن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۱۳۱).

۴. در اشعار نقل شده از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

«دلیلک ان الفقر خیر من الغنی
وان قليل المال خیر من المثری
لقاءك مخلوقا عصی الله بالغنی
و لم تر مخلوقا عصی الله بالفقر»

دلیل تو بر اینکه فقر بهتر از ثروت است و مال کم بهتر از برهم‌انباشتن است، اینکه بسیاری را دیده‌ای از ثروتمندان که گناهکارند، ولی کسی را ندیده‌ای به واسطه فقر گناه کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۸۵).

۵. «حمزه» در شعری گفته است:

«دعانی عمرو للقاء فلم أقل
و ائ جواد لا یقال له هنی»

عمرو مرا برای دیدار خوانده است و من رد نمی‌کنم و کدام کریمی است که او را فرا نخواند (ابن مزاحم، ۱۳۷۰، ص ۵۱۷).

در این اشعار از واژه «لقاء» در معنای دیدار، ملاقات و روبه‌رو شدن استفاده شده است.

در برخی از اشعار که نسبت به اشعار بالا تعداد کمتری را شامل می‌شوند، شعرای عرب از واژه «لقاء» در معنای روز حشر، قیامت و روز دریافت ثواب و عقاب الهی استفاده کرده‌اند که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. در سروده «أخت عمرو الکلب» آمده است:

«فهلأ إذ أقبل ريب المنون
فقد كان رجلا و کنتم رجالا
و قد علمت فهم عند اللقاء
بأنهم كانوا لک نفالا»

هان! زمانی که مرگ به ما رو کند، مردی از ما و مردانی از شما خواهند مرد؛ پس

چه می‌دانی که در قیامت و روز حشر، از ایشان غنیمتی به تو خواهد رسید (ابن‌طیفور، بی‌تا، ص ۲۴۰).

در این شعر که بنا به گفته ابن‌طیفور، نویسنده کتاب بلاغات النساء، از اشعار جاهلی محسوب می‌شود، واژه «لقاء» به معنای قیامت و روز حشر آمده است.

۲. در شعری که از سروده‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، چنین آمده است:

« وَ قَدْ فَنَعَتْ نَفْسِي بِمَا قَدْ رَزِقْتُهُ فَسَأُنْكَ يَا دُنْيَا وَ أَهْلَ الْعَوَائِلِ
فَإِنِّي أَخَافُ اللَّهُ يَوْمَ لِقَائِهِ وَ أَخْشَى عَذَاباً دَائِماً غَيْرَ زَائِلِ »

نفس خود را به آنچه روزی‌اش شده قانع کردم؛ زیرا شأن و جایگاه تو ای دنیا، شأن و جایگاه تبهکاران است. من از خدا در روز قیامت و حساب و کتاب می‌ترسم و از عذاب دائمی و پایان‌ناپذیر آخرت بیم دارم (ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، صص ۱۰۲-۱۰۳).

امام علی علیه السلام در این شعر از واژه «لقاء» در معنای روز قیامت و روزی که انسان پاداش یا عقاب اعمال خود را خواهد دید، استفاده فرموده است؛ بنابراین همان‌طور که در اشعار عرب نیز ملاحظه می‌کنیم، گستره معنایی واژه «لقاء» فقط دربرگیرنده مفهوم دیدار و رؤیت با چشم نیست و معانی دیگری نیز در بر دارد.

۷. بررسی نظر مفسران شیعه و سنی در مورد معنای واژه «لقاء» و رابطه مفهومی «لقاء رب» و «لقاء الله» با رؤیت الهی در قرآن و نقد دیدگاه اشاعره

از جمله آیاتی که اشاعره از آن برای اثبات اعتقاد خود به رؤیت خدا استفاده می‌کنند، آیاتی است که در آن بحث از «لقاء رب» یا «لقاء الله» مطرح است. در این قسمت به بررسی نظر مفسران شیعه و سنی درباره دو آیه از مهم‌ترین آیاتی که اشاعره به آن استناد کرده و رؤیت خدا را از آن نتیجه می‌گیرند، می‌پردازیم. یکی از آیاتی که در این زمینه مورد استناد قائلان به رؤیت قرار می‌گیرد، آیه ۱۱۰ سوره کهف است که می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ بگو: من هم مثل شما بشری هستم؛ ولی به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود

امید دارد، باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد» (کهف، ۱۱۰).

عبارتی که اشاعره در این آیه از آن رؤیت خدا را نتیجه گرفته‌اند، عبارت «لِقَاءِ رَبِّهِ» است؛ برای مثال فخر رازی از مفسران اهل سنت که دارای مشرب اشعری است ذیل این آیه می‌نویسد: «اصحاب ما لقاء الرب را بر رؤیت و دیدن خدا حمل می‌کنند» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۵۰۴).

حقی بروسوی نیز این نظر فخر رازی را پذیرفته و بر آن تصریح کرده است (حقی بروسوی، بی تا، ج ۵، ص ۳۰۹).

از دیگر مفسران اهل سنت که این آیه را به دیدار خدا و نظر به سوی او و به عبارت دیگر رؤیت خداوند تفسیر کرده‌اند، قشیری (قشیری، ۲۰۱۰م، ج ۲، ص ۴۱۷)، نسفی (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶)، نظام‌الاعرج (نظام‌الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۶۴) و روزبهان بقلی (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۲، ص ۴۴۸) است. نسفی مراد از عبارت «لقاء رب» را وارد شدن بر پروردگار دانسته و تفسیر آن را آن‌طور که حقیقت لفظ بر آن حکم می‌کند، رؤیت و دیدن خدا می‌داند (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۶). نظام‌الاعرج نیز تأکید می‌کند معنای «لقاء رب» در عقیده و دیدگاه اشعریان، رؤیت خداوند است (نظام‌الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۶۴).

گروهی از مفسران اهل سنت ذیل این آیه و عبارت «لقاء ربه»، ضمن پابندی به دیدگاه اشاعره و پذیرش آن، علاوه بر برداشت معنای رؤیت خدا در قیامت، معانی دیگری را نیز برای واژه «لقاء» بیان کرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به قرطبی اشاره کرد که علاوه بر رؤیت خدا، معنای ثواب و عقاب را نیز برای واژه «لقاء» ذکر کرده است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۱، ص ۶۹). همچنین در بین دیگر مفسران اهل سنت، ثعلبی معنای بازگشت به سوی خدا (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۰۳)، بغوی خوف از بازگشت به سوی خدا (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۲۲)، شنقیطی امیدداشتن به پاداش و ترس از عذاب خدا (شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۱۵۲)، طبری (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۸۴) و میبیدی (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۶۷) طمع در پاداش الهی و قاسمی ترس از بازگشت به سوی خدا و دیدن جزا و پاداش نیکو از جانب خداوند متعال (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۸۲) را علاوه بر معنای رؤیت خدا، برای عبارت «لقاء

ربه» بیان کرده‌اند. این گروه از مفسران اهل سنت را می‌توان دارای دیدگاه میانه دانست که هم معنای رؤیت خداوند را از واژه «لقاء» برداشت کرده و هم معنای دیگری را که ذکر شد، برای آن پذیرفته‌اند.

جدای از مفسرانی که نظراتشان ذیل این آیه مرور شد، گروهی از مفسران اهل سنت، برداشت معنای رؤیت خداوند را از عبارت «لقاء ربه» نپذیرفته و برداشت‌های دیگری از معنای آن داشته‌اند. از جمله این مفسران، ابوحنیفه معنای دیدن جزا و پاداش پروردگار (ابوحنیفه، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۳۴)، محلی (محلی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۰۷) و ابن عبدالسلام (ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۸۲) معنای برانگیخته شدن و پاداش الهی، زمخشری معنای دیدن رضایت خدا و قبول اعمال از سوی او (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۵۰)، واحدی معنای ثواب پروردگار (واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۷۴) و ابن کثیر معنای ثواب پروردگار و جزای عمل صالح (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۸۳) را از عبارت «لقاء ربه» برداشت کرده و معنای رؤیت و دیدن با چشم را از واژه «لقاء» نپذیرفته‌اند.

اما همان‌طور که در مقدمه تصریح شد، مفسران شیعه نه تنها رؤیت خداوند در دنیا و آخرت را با استفاده از براهین عقلی و شواهد قرآنی و روایی رد می‌کنند، بلکه در مورد اینکه معنای رؤیت از واژه «لقاء» قابل برداشت نیست نیز اتفاق نظر دارند و هیچ‌کدام معنای رؤیت را برای آن ذکر نکرده‌اند که در این قسمت از بحث، به مرور نظرات ایشان درباره معنای این واژه در آیه بالا می‌پردازیم.

شیخ طوسی معنای «لقاء رب» را دیدن ثواب و عقاب پروردگار (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۰۰)، شیخ طبرسی آن را به معنای طمع در دیدن ثواب خداوند و آرزوی آن و اقرار به برانگیخته شدن و قیامت و توقف در پیشگاه دادگاه عدل پروردگار (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۷۰)، ابوالفتوح رازی به معنای دیدن ثواب و پاداش پروردگار (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۸)، محمدجواد مغنیه به معنای حساب، ثواب و عقاب خدا (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۱۶۷) و سبزواری نیز آن را به معنای طمع در رسیدن به پاداش پروردگار و آرزوی رسیدن به ثواب و حساب و کتاب قیامت و توقف در برابر دادگاه عدل الهی (سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۶۹) دانسته است.

نویسنده تفسیر نمونه نیز «لقاء رب» را مشاهده باطنی ذات پاک او با چشم دل و بصیرت درونی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۷۷).

همان‌طور که گذشت، علاوه بر مفسران شیعه، تعداد قابل توجهی از مفسران اهل سنت هم یا معنای رؤیت خدا را از واژه «لقاء» در این آیه برداشت نکرده‌اند یا در کنار آن، معانی دیگری را نیز ذکر کرده‌اند که در مجموع می‌توان اکثریت را به مفسرانی داد که مفهوم رؤیت را از این واژه نتیجه‌گیری نکرده‌اند.

از دیگر آیاتی که برخی از قائلان رؤیت به آن استناد کرده‌اند، آیه ۵ سوره عنکبوت است که می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ کسی که به دیدار خدا امید دارد بداند که اجل او از سوی خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا» (عنکبوت، ۵).

این آیه به اندازه آیه ۱۱۰ سوره کهف - که شرح آن گذشت - مورد استناد قائلان به رؤیت قرار نگرفته است. فقط عده کمی از مفسران اهل سنت ذیل عبارت «لقاء الله» در این آیه، به رؤیت خدا اشاره مختصری کرده‌اند. از آن جمله طبری (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۸۴) و میبیدی (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۶۷) ضمن اشاره به مفهوم رؤیت خدا با چشم، معنای طمع در ثواب الهی را نیز برای عبارت «لقاء الله» بیان کرده‌اند. همچنین فخر رازی ضمن اشاره به نظر برخی از مفسران که در تفسیر عبارت «لقاء الله» گفته‌اند که آن رؤیت و دیدن خدا در قیامت است، از نظر خود ذیل آیه ۱۱۰ سوره کهف تنزل کرده و نظر این مفسران یعنی تفسیر «لقاء» به رؤیت را ضعیف تلقی شمرده و نوشته است: «نظر این مفسران در تفسیر واژه لقاء به رؤیت خدا ضعیف است؛ زیرا لقاء و ملاقات در لغت به معنای وصول و به هم وصل شدن و رسیدن است تا آنجا که در مورد دو جسم وقتی که به هم وصل شده و تماس پیدا کنند، گفته می‌شود یکی دیگری را ملاقات کرد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۲۸).

دیگر مفسران اهل سنت هیچ اشاره‌ای به معنای رؤیت در ذیل این آیه نکرده‌اند و معنای ای که برای واژه «لقاء» در عبارت «لقاء الله» بیان کرده‌اند، مشابه مفاهیم بیان‌شده ذیل عبارت «لقاء ربه» در آیه ۱۱۰ سوره کهف است.

مفسران شیعه نیز ذیل این آیه نظراتی مشابه نظرات ارائه‌شده در ذیل آیه ۱۱۰ سوره کهف دارند. فقط در بین مفسران شیعه، علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه نظر منحصر به فردی در مورد معنای واژه «لقاء» دارد. ایشان ضمن رد نظر تمامی مفسران سنی و شیعه که در مورد معنای «لقاء» در عبارت «لقاء الله» و «لقاء رب» آن را مرور کردیم، مراد از «لقاء الله» را آشکار شدن حقایق خدا دانسته و واژه «لقاء» را آشکار شدن حقایق معنا کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۵۱).

تفسیر نمونه هم ذیل این آیه، معنای لقای پروردگار را نه ملاقاتی حسی، بلکه لقای روحانی و نوعی شهود باطنی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۲۱۱). نتیجه‌گیری معنای رؤیت خداوند از این آیه حتی از نظر مفسران اهل سنت هم قابل ملاحظه نیست؛ بنابراین آن‌طور که اشاعره معتقدند، عبارات «لقاء رب» و «لقاء الله» در آیات قرآن بیانگر مفهوم رؤیت خداوند نیست و تأییدکننده اعتقادات آنان نمی‌باشد.

۸. قلمرو معنایی «لقاء الله»

بحث قلمرو معنایی «لقاء الله» و اینکه آیا این امر در قیامت مختص مؤمنان است یا شامل همه، اعم از مؤمن یا کافر خواهد شد، از موضوعات مهم است که نیاز به تبیین دارد. با بررسی نظر مفسران، ذیل آیات مرتبط با «لقاء الله»، پاسخ این است که از آنجا که در قیامت تمامی حقایق آشکار می‌شود و و پرده‌ها کنار می‌رود و انسان‌ها همه حقایق از جمله حقیقت وجود خداوند متعال را با تمام وجود درک می‌کنند، در قیامت «لقاء الله» فقط مخصوص مؤمنان نیست. علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه وقتی در مورد معنای «لقاء الله» توضیح می‌دهد، به این مطلب اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مراد از لقاء الله قرار گرفتن بنده در موقعی است که دیگر بین او و بین پروردگارش حجابی نباشد؛ هم‌چنان که روز قیامت نیز این چنین است؛ چون روز قیامت روز ظهور حقایق است که قرآن کریم درباره‌اش می‌فرماید: "وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ؛ آن روز یقین می‌کنند که خدا، حق آشکار است" (نور، ۲۵)» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۵۱).

آیت الله مکارم هم ضمن تأکید بر این موضوع می‌نویسد: «لقاء الله گرچه در این دنیا

هم برای مؤمنان راستین امکان‌پذیر است، اما این مسئله در قیامت به خاطر مشاهده آثار بیشتر و روشن‌تر و صریح‌تر، جنبه همگانی و عمومی پیدا می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۵۷۷).

بنابراین از نظر مفسران روشن می‌شود هر چند کافران در دنیا منکر خدا هستند و وجود او را قبول ندارند، در آخرت که حقایق آشکار می‌گردد، خداوند را با تمام وجود درک می‌کنند که می‌توان نام آن را «لقاء الله» گذاشت.

نتیجه‌گیری

نتیجه به دست آمده از بررسی ریشه واژه «لقاء» یعنی «لقى» عبارت است از اینکه اصل و ریشه واحد در این ماده، روبه‌رو شدن و دیدن همراه با ارتباط با یکدیگر است که به همراه قیودی، در مفاهیمی نظیر روبه‌رو شدن، دیدن، مواجه شدن و تکمیل شدن دو چیز یا دو شخص با یکدیگر در همه مشتقات این ریشه مشترک است. بررسی روابط همنشینی واژه «لقاء» با دیگر واژگان در آیات قرآن، معانی قیامت، بعث، نشور، بازگشت، نعمت و ثواب و عقاب، حساب و رسیدن را به دست می‌دهد. در بررسی معنای این واژه در احادیث و شعر عرب نیز علاوه بر معنای دیدار و ملاقات، معنای ای که در بالا ذکر شد، به چشم می‌خورد و بررسی معنای واژه در زبان فارسی نیز معنای مشابه با معنای لغوی آن در زبان عربی را نتیجه می‌دهد؛ اما در بررسی معنای واژه «لقاء» و کاوش در نظرات مفسران شیعه و سنی در مورد آیات مورد استناد اشاعره برای اثبات اعتقاد خود به رؤیت خدا، به این نتیجه می‌رسیم که نظر اشاعره در استناد به آیاتی که واژه «لقاء» در آن وجود دارد، برای اثبات رؤیت خداوند، صحیح نیست و نه تنها مفسران شیعه آن را رد کرده‌اند، بلکه حتی جمع بسیاری از مفسران اهل سنت نیز آن را نپذیرفته‌اند. در خصوص قلمرو معنایی «لقاء الله» نیز این نتیجه حاصل شد که این مفهوم در قیامت مختص مؤمنان نیست و هر دو گروه مؤمنان و کافران را شامل می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ (مصصح: مجتبی عراقی، چاپ اول) قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهایه فی غریب الحدیث و الأثر (محقق: محمود محمد طناحی، چاپ چهارم). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید (محقق: هاشم حسینی). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (چاپ اول). قم: انتشارات علامه.
۵. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر. (بی تا). بلاغات النساء (چاپ اول). قم: الشریف الرضی.
۶. ابن عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام. (۱۴۲۹ق). تفسیر العزیز بن عبد السلام (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه (محقق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (محقق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن مزاحم، نصر. (۱۳۷۰). پیکار صفین (مترجم: پرویز اتابکی، محقق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ دوم). تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (محقق: جمال الدین میردامادی، چاپ سوم). بیروت: دار الفکر - دار صادر.
۱۱. ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر (محقق: صدقی محمد جمیل، چاپ اول). بیروت: دار الفکر.

۱۲. ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* (مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، چاپ اول). مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی* (مترجم: رضا مهیار، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *تفسیر البغوی (معالم التنزیل)* (محقق: عبد الرزاق مهدی، چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل* (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *تفسیر الکشف و البیان* (محقق: ابی محمد ابن عاشور، چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس* (مصحح: علی هلالی و علی سیری، چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
۱۸. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). *تفسیر روح البیان* (چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۱۹. خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الخازن* (محقق: عبدالسلام محمدعلی شاهین، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن* (مترجم: غلامرضا خسروی، محقق: غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم). تهران: نشر مرتضوی.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (محقق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول). بیروت: دار القلم.
۲۲. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر. (۲۰۰۸م). *عرائس البیان فی حقائق القرآن* (محقق: احمد فرید مزیدی، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۳. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل (مصحح: مصطفی حسین احمد، چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العربی.
۲۴. سبزواری، محمد. (۱۴۰۶ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید (چاپ اول). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۵. سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر سمرقندی (محقق: عمر عمروی، چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۲۶. سیواسی، احمد بن محمود. (۱۴۲۷ق). عیون التفاسیر (محقق: بهاءالدین دارتما، چاپ اول). بیروت: دار صادر.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
۲۸. شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری (چاپ اول). تهران: انتشارات میقات.
۲۹. شنقیطی، محمدامین. (۱۴۲۷ق). أضواء البیان فی إيضاح القرآن بالقرآن (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات (چاپ اول). بیروت: انتشارات اعلمی.
۳۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق) المحيط فی اللغة. (محقق: محمدحسن آل یاسین). بیروت: عالم الکتب.
۳۲. صافی، محمود. (۱۴۱۸ق). الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه (چاپ چهارم). دمشق: دار الرشید.
۳۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: محمدباقر موسوی، چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). تفسیر الکبیر (چاپ اول). اربد: دار الکتب الثقافی.

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۳۶. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ اول). بیروت: دار المعرفه.
۳۷. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (محقق: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم). تهران: نشر مرتضوی.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (مصحح: احمد حبیب عاملی، چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۹. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة (چاپ اول). بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۴۰. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (چاپ سوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۴۲. فیضی، ابوالفیض بن مبارک. (۱۴۱۷ق). تفسیر سواطع الافهام (چاپ اول). قم: دار المنار.
۴۳. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر (چاپ دوم). قم: مؤسسه دار الهجره.
۴۴. قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۸ق). تفسیر محاسن التأویل (محقق: محمد باسل عیون سود، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۵. قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن (چاپ ششم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن (چاپ اول). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۴۷. قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۲۰۰۰م). تفسیر لطائف الاشارات (محقق: ابراهیم بسیونی، چاپ سوم). قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی (مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۴۹. لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (مصحح: حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول). قم: دار الحدیث.
۵۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۱. محلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر الجلالین (محقق: عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، چاپ اول). بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۵۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (چاپ اول). تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۳. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف (چاپ اول). قم: دار الکتب الإسلامی.
۵۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۷). دفاع از تشیع (مترجم: محمد بن حسین آقاجمال خوانساری، مصحح: صادق حسن زاده و علی اکبر زمانی نژاد، چاپ اول). قم: انتشارات مؤمنین.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۶. میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار (چاپ پنجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۷. نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر مدارک التنزیل و حقایق التاویل (چاپ اول). بیروت: دار النفائس.
۵۸. نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان (محقق: زکریا عمیرات، چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۹. واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۵ق). الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز (محقق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول). بیروت: دار القلم.

References

* Holy Quran.

1. Abu al-Futuh al-Razi. (1408 AH). *Rawz al-jinan wa ruh al-jinan* (M. M. Naseh, & M. J. Yahaqi, Ed.) Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Arabic]
2. Abu Hayyan, M. (1420 AH). *al-Bahr al-Muhit fi al-Tafsir* (S. M. Jamil, Ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
3. al-Farahidi, Kh. (1409 AH). *Kitab al-'Ayn* (2nd ed.). Qom: Hijrat. [In Arabic]
4. al-Hurr al-Amili. (1425 AH). *Isbat al-Hudat bin al-Nosus wa al-Mu'jizat*. Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
5. al-Kulayni. (1407 AH). *al-Kafi* (A. A. Ghaffari & M. Akhundi, Ed., 4th ed.). Tehran: Islamic Books House. [In Arabic]
6. al-Laythi al Wasiti, A. (1997). *Uyun al-Hikam wa'l-Mawaiiz* (H. Hassani Birjandi, Ed.). Qom: Dar Al-Hadith. [In Arabic]
7. al-Qurtubi. (1364 AP). *The comprehensive rules of the Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow Publications. [In Arabic]
8. al-Raghib Al-Isfahani. (1374 AP). *Al-Mufradat* (Gh. Khosravi, Trans., 2nd ed.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
9. al-Raghib Al-Isfahani. (1412 AH). *Al-Mufradat* (S. A. Davoodi, Ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
10. al-Suyuti, J. (1404 AH). *Al-Durr Al-Manthur Fi Tafsir Bil-Ma'thur*. Qom: Publications of the Grand Ayatollah Marashi Najafi Public Library. [In Arabic]
11. al-Turayhi, F. (1375). *Bahrain Complex* (Researcher: Ahmad Hosseini Eshkori, third edition). Tehran: Mortazavi Publishing. [In Arabic]
12. al-Zamakhshari. (1407 AH). *al-Kashshaaf* (M. H. Ahmad, Ed., 3rd ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
13. Askari, H. (1400 AH). *al-Furuq fi al-Lugha*. Beirut: Dar Al-Afaq Al-Jadeedah.] In Arabic]

14. Baghui, H. (1420 AH). *Tafsir al-Baghwi* (Ma'alim al-Tanzil) (Abd al-Razzaq Mahdi, Ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
15. Beizawi, A. (1418 AH). *The lights of revelation and the secrets of interpretation*. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
16. Bostani, F. (1375 AP). *Farhang Abjadi* (R. Mahyar, Ed., 2nd ed.). Tehran: Islamic Publications. [In Arabic]
17. Faizi, A. F. (1417 AH). *Tafsir Suate Al-Afham*. Qom: Dar Al-Manar. [In Arabic]
18. Fakhr al-Din al-Razi. (1420 AH). *al-Tafsir al-Kabir* (3rd ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
19. Fayumi, A. (1414 AH). *Al-Misbah Al-Munir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir* (2nd ed.). Qom: Al-Hijra Institute. [In Arabic]
20. Haqi Barsawi, I. (n.d.). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
21. Hosseini Zubeidi, M. M. (1414 AH). *The crown of the bride from the jewel of the dictionary* (A. Hilali, & A. Siri, Ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
22. Ibn Abdul Salam. I. (1429 AH). *Tafsir al-Aziz ibn Abd al-Salam*. Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
23. Ibn Abi Jumah. (1405 AH). *Awali al-la'ali* (M. al-Iraqi, Ed.) Qom: Dar Seyyed al-Shuhada. [In Arabic]
24. Ibn Abi Tahir Tayfur. (n.d.). *Balaghat al-Nisa*. Qom: Al-Sharif Al-Radhi. [In Arabic]
25. Ibn Athir. (1367 AP). *al-Nihayah fi gharib al-hadith wa-al-athar* (M. M. Tanahi, Ed., 4th ed.). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
26. Ibn Faris. (1404 AH). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (A. S. M. Haroon, Ed.). Qom: Islamic Media School. [In Arabic]
27. Ibn Kathir, I. (1419 AH). *Tafsir Al-Quran Al-'Azeem* (M. H. Shamsuddin, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]

28. Ibn Manzur. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (J. Mirdamadi, Ed., 3rd ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
29. Ibn Mazahim, N. (1370 AP). *Battle of Siffin* (A. S. M. Haroon, Ed., P. Atabaki, Trans., 2nd ed.). Tehran: Islamic Revolution Publications and Education. [In Persian]
30. Ibn Shahr Ashub. (1379 AH). *Manaqib Ale Abi Talib* (PBUH). Qom: Allameh. [In Arabic]
31. Khazen, A. (1415 AH). *Tafsir al-Khazen* (A. S. M. A. Shahin, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
32. Mahalli, M. (1416 AH). *Tafsir al-Jalalin* (A. R. Suyuti, Ed.). Beirut: Al-Noor Institute for Press. [In Arabic]
33. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
34. Makarem Shirazi, N. (1371). *Tafsir Nemooneh* (10th ed.). Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah.
35. Meibodi, A. (1371 AP). *Kashf al-Asrar wa 'Adha al-Abrar* (5th ed.). Tehran: Amirkabir. [In Arabic]
36. Mostafavi, H. (1989). *Research in the words of the Holy Quran*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications. [In Arabic]
37. Mughniyeh, M. J. (1424 AH). *Al-Tafsir Al-Kashif* (first edition). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
38. Nasfi, A. (1416 AH). *Tafsir Madarik al-Tanzil wa Haqaiq al-Ta'wil*. Beirut: Dar Al-Nafais. [In Arabic]
39. Nizam al-A'raj, H. (1416 AH). *Tafsir Gharaib Al-Quran and Raghaib Al-Furqan* (Zakaria 'Amirat, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
40. Qarshi Banaei, A. A. (1412 AH). *Qamus-e Qur'an* (6th ed.). Tehran: Islamic Bookstore. [In Persian]

41. Qasemi, J. (1418 AH). *Interpretation of the benefits of interpretation* (M. B. U. Sood). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
42. Qashiri, A. K. (2000 AD). *Tafsir Latif al-Isharat* (I. Basyuni, Ed., 3rd ed.). Cairo: The Egyptian Public Library. [In Arabic]
43. Ruzbihan Baqli, R. (2008). *'Arais al-bayan fi haqaiq al-qur'an* (A. F. Mazidi, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]
44. Sabzwari, M. (1406 AH). *New in the interpretation of the Holy Quran*. Beirut: Press Office. [In Arabic]
45. Safi, M. (1418 AH). *The table in the Arabic of the Qur'an and its economy and expression with its syntactic benefits* (fourth edition). Damascus: Dar al-Rasheed. [In Arabic]
46. Sahib Ibn Ibad, I. (1414 AH). *The environment in the language* (M. H. Al-Yasin, Ed.). Beirut: Book World. [In Arabic]
47. Samarqandi, N. (1416 AH). *Tafsir as-Samarqandi* (O. Amravi, Ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
48. Shah Abdul Azim, H. (1363 AP). *Tafsir Ithna 'Ashari*. Tehran: Miqat. [In Arabic]
49. Shaykh al-Saduq. (1398 AH). *Kitab al-Tawheed* (H. Hosseini, Ed.). Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [In Arabic]
50. Shaykh Mufid. (1998). *Defending Shiism* (S. Hassanzadeh, & A. A. Zamani Nejad, Ed., M. Agha Jamal Khansari, Trans.). Qom: Mo'menin. [In Arabic]
51. Shaykh Tabarsi. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an* (F. Yazdi Tabatabaei, & H. Rasouli, Eds., 3rd ed.). Tehran: Nasser Khosrow. [In Arabic]
52. Shaykh Tusi. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Qur'an* (A. H. Amili, Ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
53. Shenqiti, M. A. (1427 AH). *Addition of the statement in the explanation of the Qur'an with the Qur'an*. Beirut: Dar al-Kotob al-ilmiyah. [In Arabic]

54. Sivasi, A (1427 AH). *Uyoun al-Tafasir* (B. Daretma, Ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
55. Tabarani, S. (2008). *Tafsir al-Kabir*. Arbod: Dar Al-Kutab Al-Thaqafi. [In Arabic]
56. Tabari, M. (1412 AH). *Comprehensive statement in the interpretation of the Qur'an* (first edition). Beirut: Dar Al-Ma'rifah. [In Arabic]
57. Tabatabaei, S. M. H. (1374). *Tafsir al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (M. B. Mousavi, Trans., 5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
58. Thalabi, A. (1422 AH). *Tafsir al-Kashf wa al-Bayan* (M. Ash'ur, Ed.). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
59. Vahedi, A. (1415 AH). *Al-Wajiz in the interpretation of the beloved book* (S. A. Davoodi, Ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]